



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۸/۲۳

احمد فواد ار سلا

ذکر زبان دری در اشعار و ترکیبات قرن‌ها و سال‌ها قبل از ادعای تحمیل زبان دری در قانون اساسی افغانستان در سال ۱۹۶۴

در افغانستان معاصر، ادعایی توسط گروه‌های ذی‌نفع و قدرت‌های منطقه‌ای مطرح می‌شود که قوم غالب پشتون، استفاده از زبان دری را بجای فارسی به عنوان یکی از دو زبان اصلی افغانستان پس از قانون اساسی ۱۹۶۴ اجباری کرده است. به اساس این ادعا این اقدام با هدف قطع روابط فرهنگی، زبانی و تاریخی بین افغان‌ها و دنیای فارسی‌زبان، از جمله ایران و تاجیکستان انجام شده است. بسیاری از محققان و ناظران معتقدند که تعیین زبان دری به عنوان یکی از زبان‌های اصلی افغانستان در سال ۱۹۶۴، شاید پاسخی بوده است از سوی قدرت‌های حاکم که به دلیل عدم اعتراض و عدم جلوگیری تغییر نام کشور فارس به ایران در سال ۱۹۳۵ در اوج پان‌ایران‌یسم تحت رژیم پهلوی مورد انتقاد دانشمندان و مردم افغانستان قرار داشتند. این تغییر نام به رژیم ایرانی این امکان را داد که ایران را به عنوان وارث تاریخ، فرهنگ، ادبیات و زبان آریانا باستان، که شامل کل منطقه از جمله افغانستان، تاجیکستان و آسیای مرکزی می‌شود، معرفی کند و در جریان سال‌های بین ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۴ تهاجم فرهنگی ایران به حدی رسیده بود که این اقدام قدرت حاکم در افغانستان تقلائی بیش نبود.

گرچه بر اساس تحقیقات مستن تاریخی ریشه تاریخ واقعی زبان دری از جغرافیای افغانستان کنونی آغاز شده است و بعداً به تصاحب فارس‌ها رسیده است، امروز خاصاً با شیوع وسایل ارتباط جمعی در دسترس عام **Social Media** و استفاده از این وسایل ارتباط جمعی در دسترس عام توسط عناصر ضد موجودیت و جغرافیای افغانستان و مردم عادی که عادت و دانش تحقیق درست ندارند به حدی رسیده است که یک تعداد زیادی مفکوره گرفته اند که دری ریشه تاریخی ندارد و به ادعای نادرست مغرضین فکر میکنند که دری بعد از قانون اساسی ۱۹۶۴ در افغانستان به صورت تصنعی بجای فارسی مروج شده است. جنجال بر سر نامگذاری زبان دری به عنوان یکی از زبان‌های اصلی افغانستان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شدت گرفت، زمانی که گروه‌های سیاسی در جنگ‌های داخلی افغانستان بر اساس خطوط قومی و زبانی تقسیم شدند. این احزاب جنگ‌طلب و گروه‌ها از زبان و وابستگی‌های قبیله‌ای برای منافع سیاسی استفاده کردند، در حالی که نیروهای خارجی که به دنبال تقسیم و تضعیف افغانستان بودند، همچنان به تشدید مسئله پرداختند.

تحقیقات نشان می‌دهد که دروغ‌ها بیشتر و سریع‌تر از حقیقت پخش می‌شوند. در مورد زبان دری، اطلاعات غلط و ادعاهای نادرست باعث شده است که بخش قابل توجهی از عموم مردم، بخصوص نسل‌های جوان‌تر، باور کنند که زبان دری شاید تنها به عنوان یک زبان اصلی در افغانستان با تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴ معاصر باشد. با توجه به اینکه محققین و تاریخ‌نویسان بررسی جامع ریشه‌ها، تکامل و گسترش زبان دری، همراه با بحث‌هایی در مورد ریشه‌ها و نام آن که به دو هزار سال پیش برمی‌گردد را انجام داده اند و در این بحث مختصر تکرار نمی‌شود، جدول زیر مجموعه‌ای نمونه از اشاره‌ها به زبان دری توسط شاعران و نویسندگان در قرن‌ها، دهه‌ها و سال‌های پیش از ۱۹۶۴ تقدیم می‌گردد. این جدول به عنوان یادآوری برای کسانی که باور دارند زبان دری قبل از تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴ در افغانستان و منطقه برجسته نبود، تهیه شده است. جدول شامل نام‌ها و جزئیات شاعران، گزیده‌هایی از اشعار یا نوشته‌های واقعی، و اشعار دری است. این مثال‌ها به منزله مجموعه کامل نیستند، بلکه هدف این است که خوانندگان بتوانند به اشاره‌ها دسترسی داشته باشند و تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام دهند.

د پانو شمیره: له 1 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

نظم یا نثر که در آن ذکر شده		
اسم نویسنده یا شاعر	زمان نویسنده یا شاعر و محل سکونت	
1	فردوسی 940 - 1019/1025 میلادی طوس ایران	... کجا بیور از پهلوانی شمار بود بر زبان دری ده هزار ز اسپان تازی به زرین ستام ... بفرمود تا پارسی و دری نیشند و کوتاه شد داوری ...
2	سلیمی چهرونی قرن 9 میلادی چهرون ایران	سخن پرداز کین در دری سفت ز شیرین و ز خسرو این چنین گفت که خسرو از پدر چون روی برتافت در آن ره صحبت شاپور دریافت ... ایا بفعل تو نیکو شده معانی خیر ایا بلفظ تو شیرین شده زبان دری
3	عنصری 11-10 میلادی - بلخ افغانستان	... من از بهر آن افسر سروری سخن راند خواهم به لفظ دری
4	عبوقی قرن 10 میلادی - یزد ایران	... خاصه آن بنده که ماننده من بنده بود مدح گوینده و داننده الفاظ دری سال تا سال همه مدحت او نظم کنم ... دل بدان یافتی از من که نکو دانی خواند مدحت خواجه آزاده به الفاظ دری دری که لایق نظم است و قابل مدحت نمی توان بکف آورد ز اختلاف بحور ... ای دل تو قدر خویش ندانی همی مگر اندر عرب در عربی گویی او گشاد واو باز کرد پارسیان را در دری جایی که او حدیث کند تو نظاره کن ...
5	فرخی سیستانی 1040 - 1000 میلادی سیستان افغانستان	.. من آنم که در پای خوگان نریزم مر این قیمتی در لفظ دری را
6	ناصر خسرو 1004 - 88 میلادی	

د پانو شمیره: له 2 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

		قبادیان تاجکستان	
7	مسعود سعد سلمان	-1046 1121 میلادی هندوستان	... مر تو را سروری چو در عدن دری و در نظم و نثر تو را کس نداند درین زمانه ثمن از دل و جان رهی خاص توام ...
8	رشیدالدین وطاوت	1088/9 – 1182/3 میلادی بلخ افغانستان	... بحرست خاطر من و درست لفظ من در نظم و نثر این دو زبان تازی و دری
9	سوزنی سمرقندی	فوت 1166 میلادی سمرقند ازبکستان	شود مداح را لفظ دری در بنظم مدح تو در طبع نظام ... چرا پسند ندارم ز لعب زلف و رخت غزل سرایی بر هر دوان بلفظ دری صفات روی تو آسان بود مرا گفتن گهی بشعر بدیع و گهی بلفظ دری
10	انوری	1126– 1189 میلادی ابیورد ایران	چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری در ارادت اول و در فعل گویی آخرست ...
11	حمیدالدین بلخی	فوت 1180 میلادی بلخ افغانستان	... س نظم تازی بگذاشت و نوای برداشت و این ابیات را بر زبان راند و این ترجمه در بیان آورد زهی عالی درختی کز بلندی و اقداح می وصال دوش او خوردست فبحر العلم طامح طاهی و قبضه القوس فی یدالرامی نخست بنظم تازی و انشای حجازی این عذار عذرا را بیارایم و باز بنظم دری نقاب از چهره زیبا بگشایم و در این
12	فلکی شیوانی	1107– 1155 میلادی شیروان آذربایجان	گوی سخن برد به شعر دری چشم عنا نیز در او ننگرد ...
13	ادیب صابر	فوت 1135 میلادی ترمز ازبکستان	... رهی نمائد ز نظم سخن که نسپردم دری نمائد زلفظ دری که نگشادم به شعر من همه اهل زمانه دل شادند ...

د پانو شمیره: له 3 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په خیر و لولئ

1 4	خاقانی	1120 – 1199 میلادی آذربایجان	<p>... بر بربط اعجمی صفت هشت زبانش در دهان از سر زخمه ترجمان کرده به تازی و دری راوی ز درهای دری دلال و دلها مشتری خاقانی اینک جوهری درهای بیضا ریخته در دری را از قلم در رشته جان کرده ضم پس باز بگشاده ز هم بر شاه والا ریخته ... بر رقعہ نظم دری قایم منم در شاعری با من بقایم عنصری نرد مجارا ریخته</p> <p>بی زبان لغت آرات به تازی و دری گوش پر زیبق و چشم آمده گر باد پدر ...</p> <p>... گردون براین دو تحفه غیبی ثنا کند دیوان من به سمع تو در دری دهد</p> <p>... چون به خاقانی رسیدم عندلیبش یافتم گوید استاد است اندر طرز تازی و دری نظم و نثرش دیدم و مدح و نسبش یافتم ...</p> <p>در دری و کوکب دری نثار توست از دهر خاطر فضلا را مخاطره است ..</p> <p>... ز آدمی این سحر و معجز کس ندید از دو دیوانم به تازی و دری</p>
1 5	نظامی گنجوی	1141– 1209 میلادی آذربایجان	<p>نظامی که نظم دری کار اوست دری نظم کردن سزاوار اوست ... که پراکنده بود گرد جهان زان سخنها که تازیست و دری</p> <p>... طلی های زر بر سر نقره بست خردنامه ها را ز لفظ دری</p>
1 6	ظہیر سمرقندی	فوت 1220 میلادی سمرقند ازبکستان	<p>برگرفت و خاطر در کار آورد و این کتاب را به عبارت دری پرداخت اما عبارت عظیم نازل بود و از تزئین و تعلی عاری و عاقل و با آنکه در وی مقال را فسحت و مجال را</p>

د پانو شمیره: له 4 تر 10

1 7	اثیر اخیستکی	1126-8 - 1211/12 میلادی فرغانه ازبکستان	... صاحباً گر وقفه یی یابم ز چرخ تیز تک وقف این درگه کنم نظم دری طبع جری اگر بلفظ دری آمدی ز چرخ نبی همیشه تاسوی علوی است شعله را آهنگ ...
1 8	مجیدالدی ت همگر	1210 - 1287 میلادی یزد ایران	ای به چوگان نطق و نظم دری گوی دانش ربوده از اغیار کردند بحث در سخن منشیان نظم تا خود که سفت به درر دری دری
1 9	سعدی شیرازی	1210- 1292 میلادی شیراز ایران	... هزار بلبل دستان سرای عاشق را بباید از تو سخن گفتن دری آموخت ... چون در دو رسته دهانت نظم سخن دری ندیدم
2 0	خواجوی کرمانی	1290 - 1349- میلادی کرمان ایران	... مخ سخن بگوی که وقت سخنوریست دری ز نظم بر طبق عرض نه کنون در حضرتی که برج درش درج گوهریست و سوی تو بچشم ترحم نظر کند
2 1	سلمان ساوجی	فوت 1376 میلادی ساوا عراق	... در آمد ز راه سخن گستری سخن راند از نظم در دری که از در معنی چه پرورده ای می کند بر در گل شعرسرای بلبل بلبلا چند درایی ز سر شعر دری
2 2	Hafez	1325- 1390 میلادی شیراز ایران	... چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
2 3	جامی	1325- 1390 میلادی هرات افغانستان	... ز نام وی این زمزمه ساز کرد به لفظ دری هر چه بر عقل تافت به یونانی الفاظ ازو نقل یافت ...

د پانو شمیره: له 5 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

			<p>... ببخشود بر فارسی گوهران به نظم دری در نظم آوران که گر بودی آن هم به لفظ دری نماندی مجال سخن گستری ...</p>
2 4	ملا محمد بن سلیمان فضولی بغدادی	1483- 1556 میلا دی عراق	<p>دری که لایق نظم است و قابل مدحت نمی توان بکف آورد ز اختلاف بحور ...</p>
2 5	محتشم کاشانی	1500- 1588 میلا دی کاشان ایران	<p>... افسوس که آن که خوب تر گفت وز جمله دری لطیف تر سفت</p> <p>... می تواند داد در یک بزم باهم انتظام اختر بیضا تجلی گوهر دری شعاع</p>
2 6	حزین لاهیجی	1692 - 1766 میلا دی اصفهان ایران	<p>هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بود قصدیده و غزل و قطعه و رباعی آن هنر به ماشطه خامه ام کند نازش</p> <p>که گشت نسخه ی دیوان چارمین سپری دوصد فزون ز هزار است و سی چو بر شمری که لیلی عرب آراست در لباس دری</p>
2 7	آذر بیگدلی	1722- 1781 میلا دی اصفهان ایران	<p>... پس از عهد استاد فن رودکی که در دری سفت از کودکی بنوبت سخن گستران از عدم مگو هاتف او هاتف غیب بود دری سفت کاویزه ی گوش شد بنظم و نثر تازی و دری گاه سخن سنجی کنی اعجاز اگر دعوی منم ز آغاز من آمن ..</p>
2 8	نور علیش اه	1747- 1798 میلا دی اصفهان ایران	<p>... بغیر نور علی همچو حافظ شیراز که لطف طبع و سخن گفتن دری داند</p>
2 9	سحاب اصفهانی	فوت 1807 میلا دی اصفهان ایران	<p>... چنانکه ختم رسالت به سید مرسل دو مصحفند همانا به فارسی و دری یکی به او شده نازل یکی به این منزل ...</p>

30	نشاط اصفهانی	8 - 1759 - 1829 میلا دی اصفهان ایران	... بر اثر مسیحان مرغ سحر نشیدخوان نی ز حجاز و اصفهان یا که به تازی و دری
31	ملا احمد نراقی	1771- 1829 میلا دی نراق ایران	... هر زبان را نطق او گویا شود هندی و تازی و ترکی و دری زابلی و کابلی و بربری ...
32	ابولقاسم قنم مقام	1779 - 1835 میلا دی تهران ایران	آنی تو که چون نظم دری خوانی و تازی نظم از سخن عمعق و شماخ گریزد ...
33	یغما جندوقی	1781- 1859 میلا دی جندوق ایران	بر کرده غراب چند از یاهه پری بال و پری از کاغذ تازی و دری غافل که پریدن نتوان زین پر و بال ... جان و تنم ای دوست فدای تن و جان افسانه درد پای و روز آشفته سامان مرا بنده زاده بر فرهنگ دری دست گشاد و داستان پرداخت بی رنج افزایشی و سخن سرایی این رنجور خسته و نیم جان شکسته خواهی دید و دانست به کدام روز گرفتارم و تا کجا به زیبا نگار شیوا گفتار که از در آزمون بر فرهنگ دری نگار شگری روردش دیده را سرمه سایی کرد و سامان سینه و جان را چون ج خورشید روشنایی بخشود بی سازش و خوشگویی و نوازش و دا انگاشت این نگارش نا زیبا و گزارش ناشیوا را جز آنکه پارسی دشوار است و شبرنگ خامه را در سنگلاخ فرهنگ دری پای پویه سست و ناستوار پوزش های دل پسند و سخن های هوش پذیر دارم باور نداری بخواه تا بپویم و بپرس تا بگویم مانا به فرمان پیمان که در پیشگاه والابست و به سوگند استوار افکنند نیاز نامه این زبان هیچ ندان را که پارسی از پارسا نداند و فرهنگ دری از آهنگ درناشناسد بر مان هنجار که اندیشه گماشته بود و پیشه گذاشته پاسخ نگاری کرد و نوید گذشت
34	آشفته شیرازی	1785— 1871 میلا دی شیراز ایران	... سراپا گر خطا باشد به او جای عطا باشد که اندر مدحت از نظم دری آراست دیوان ها پارسی جامه بخوانید غزل های دری که برید آمد و آورد زری فتح هری ...

د پانو شمیره: له 7 تر 10

3 5	رضاقلی خان هدایت	1800 – 1871 میلادی تهران ایران	اسمش خواجه صابن الدین علی ترکه از فضلا و حکمای روزگار تألیفات فرموده من جمله شرح فصوص و کتاب مفاحص و ... شرح قصیده ابن فارض است با سلطان شاهرخ معاصر و در یزد
3 6	Qaani	1808 – 1854 میلادی شیراز ایران	... که آشکار شود این لطیفه پنهان که در دری نظم دری قآنی چنان بهی که ادای بهای او نتوان ... هر چند کیسه و جیب از زر تهی بودم دارم ز نظم دری آماده گنج و گهر گفتا که گنج و گهر گر باشدت بفروس کمان مشکین توزم کمند غالیه رنگ اگر به نظم دری خاطرش نماید میل نوای مدحت او سرکنم بدین آهنگ آبیست اندر رهگذر از مشک سقا ریخته اکنون منم در شاعری قایم مقام عنصری از نقش الفاظ دری بیرنگ معنا ریخته تا هست ازین اشعار تر در صفحه گیتی اثر ز قصر دشت نهری آرد امروز به سوی دشت چون دریای ساری به الفاظ دری از بهر آن نهر ببایدگفت نظی چون دراری ...
3 7	صفائی جندوقی	1857 میلادی جندوق ایران	... صفایی رازت از مردم نهان داشت وگر نظم سخن های دری کرد برید اول زیان خامه و آنگاه ...
3 8	عمان سامانی	1842- 1904 میلادی سامان ایران	طوطی فکرتم ز دراری طرازها دری مقدار بشکنند به سخن گفتن دری

3 9	افسار کرمانی	1880- 1921 میلادی کرمان ایران	... تا هست در زمان اثر از در نظم و نثر تا هست در جهان سخن از تازی و دری یار تو و عدوی تو شیوا زبان و کنگ ...
4 0	ادیب الملک فراهانی	1860- 1917- میلادی ایران	... نوز ناخوانده خروس سحری ذکر دادار بتازی و دری ... شعری نگاشت پاسخ شعر من آن نگار مانند رشته گهر از گفته دری
4 1	محمد تقی بهار	1886- 1951- میلادی مشهد ایران	... لقمانا دار ز من یادگار این سخن تازه و نظم دری ... خدمت خلق را میان بندم دفتری سازم از کلام دری که نگردد به قرن ها سپری جمله در وزن و روی هم مشربند در عبارات دری هم مکتبند گر جدا در مطلبند ... شعر دری گشت ز من نامجوی یافت ز نو شاعر و شعر آبروی پهلوی و آذری از یاد رفت رفته بد از بین کلام دری گر نگشودند در شاعری اهل سخن را صله پرداختند دفتر از اشعار دری ساختند بیا مطرب آن چنگ را سازکن به قول دری نغمه آغاز کن

د پانو شمیره: له 9 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

			<p>... تو واقفی که در این قرن چون بهار نداشت کسی به لفظ دری قوت بیان ادب چه مایه خون جگرخورد تا که گشت امروز به دهر شهره علی رغم دشمنان ادب به نظم و نثر دری فالق و به تازی چیر به پهلوی و اوستاست پهلوان ادب ...</p> <p>... در میان شاعران شرق سرتاسر نبود درسخن های دری چابک تر و بهتر ز من بر زبان لفظ دری جای زبان مادری نی عجب گر خازن فردوس فردوسی بود کو بود بی شبهه رب النوع گفتار دری عیب بر شهنامه و گوینده اش هرگز نکرد ..</p>
4 2	محمد اقبال	1877 - 1938 میلادی هندوستان	<p>... خوش بیا ای نکته سنج خاوری ای که می زبید ترا حرف دری محرم رازیم با ما راز گوی ...</p>
4 3	صفائی اصفهائی	1890- 1943 میلادی اصفهان ایران	<p>.. صفا را غوص دل از گنج دولت کرد مستغنی مر این نظم دری لؤلؤی شهوارست پنداری</p>
4 4	محیط قمی	فوت 1938 میلادی قم ایران	<p>... ز فیض صادق آل محمد است اگر محیط طرز سخن گفتن دری داند بهای گوهر والای نغز گفتارم ...</p>
4 5	رهی معیری	1909 - 1968 میلادی تهران ایران	<p>مسعود که یافت عز و جاه از لاهور تایید چو نور صبحگاه از لاهور</p> <p>سالار سخنوران به تازی و دری است خواه از همدان باشد و خواه از لاهور</p>

آرشیف: مطالب نشرشدهٔ محترم احمد فواد ار سلا

د پانو شمیره: له 10 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خيږ و لولئ